

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۳۲۴ - ۳۳۷

## اصول و مؤلفه های اخلاقی در قیام امام حسین (ع) از منظر قرآن و احادیث

سیدمحمدحسن هاشمی<sup>۱</sup>

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>

فاطمه دسترنج<sup>۳</sup>

کیوان احسانی<sup>۴</sup>

چکیده

واقعه عاشورا، احیاگر و مجدد اسلام ناب محمدی است. به بیانی صحیح، انقلاب عاشورا یک حرکت اصلاح طلبی در جامعه با هدف زدودن افکار و عقاید باطل و به تعبیر یکی از بزرگان، جهل مقدس است. حرکت عاشورا چنان زیباست که همچنان گرما و حرارت آن در دل عاشقان حضرت ابا عبدالله (ع) احساس می شود و این حرارت پس از هزار و چند صد سال هنوز هم پابرجاست. عاشورا تجلی گاه اخلاق و صفات حمیده در برابر انواع رذالتها و دنائت و پستی هاست. حق و باطل در جریان واقعه عاشورا چنان مشهود و هویداست که به آسانی می توان هر دو را از یکدیگر تمییز داد. اما این اصول اخلاقی چنان زیبا و باشکوه هستند؛ که هر چه قلم بنویسد و کتابت کند، هنوز هم نتوانسته است حق مطلب را به جا آورد. به تعبیر ما اصول اخلاقی بر سرتاسر جریان عاشورا حاکم است و تمام اعمال حضرت ابا عبدالله و یارانشان، گواه این مدعاست. گرچه تا به حال در رابطه با این مسائل کتب زیادی به رشته تحریر در آمده است، اما هدف از این نوشتار این بوده است که با یک روش تطبیقی - تحلیلی، بر مبنای یک رویکرد عقلی، اصول و مؤلفه های اخلاقی در قیام امام حسین (ع) را از منظر قرآن و احادیث جویا شود تا بتواند تصویر صحیح تری از یکی از ابعاد عاشورا که همان بُعد اخلاقی آن است، ارائه کند.

کلید واژه: اخلاق، اخلاق حسینی، اصول اخلاق حسینی، مؤلفه های اخلاق حسینی، اخلاق در قرآن، اخلاق در روایات. جایگاه اخلاق.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، نویسنده مسؤول، smh134510@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، kariminia@quran.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، F-dastranj@araku.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، k-ehsani@araku.ac.ir

واقعۀ عاشورا، جریانی است که هرگز از یادها نخواهد رفت و تا ابد در دل مسلمانان زنده خواهد ماند. این نهضت چنان عظیم و بزرگ است که بعد از گذشت چندین قرن، گوئی این جریان، تازه به وقوع پیوسته و به جریان در آمده است. واقعۀ عاشورا، یک جریان سیاسی صرف نیست که تنها در زمان خودش قابل تفسیر باشد. بلکه بسیاری از حرکت‌های اصلاحی در جهان نیز از این جریان الگو گرفته و بهره برداری کرده‌اند؛ چنان که انقلاب اسلامی نیز آراسته به شعارها و اهداف حسینی بوده و هست و الگوی خود را از امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان قرار داده است و شهدا نیز مظهر همین انقلاب بوده و هستند. از طرفی نهضت عاشورا نباید از یک جهت و یک حالت، تبیین و تفسیر شود؛ چرا که ابعاد مختلفی بر این واقعۀ حاکم است که نمی‌توان هیچ کدام از این موارد را نادیده گرفت. تلاش ما این بوده است تا مهم ترین اصول اخلاقی و نه همه آنها را از منظر قرآن و احادیث جو یا شویم. این تحقیق در پی آن است که با یک روش تطبیقی - تحلیلی و بر مبنای یک رویکرد عقلانی تصویری صحیح از اصول و مؤلفه‌های اخلاقی در قیام امام حسین (ع) به دست دهد.

#### مفهوم شناسی

در بعضی از کتب لغت واژه‌ی اخلاق را یک اسم عربی، جمع واژه‌ی خُلُق و به معنای هنجارهای مورد قبول جامعه که نشان‌دهنده‌ی درستی یا نادرستی رفتار اشخاص است، معنا کرده‌اند. (عمید، ۱۳۹۳ش، ذیل واژه اخلاق). تقریباً همین مفهوم را در فرهنگ معین با اندکی تغییر نیز می‌توان دریافت. (معین، ۱۳۹۱ش، ذیل واژه اخلاق). اما به نظر، تعبیر دهخدا در این زمینه جالب تر و دقیق تر است: اخلاق دانش بد و نیک خوی ها و یکی از سه بخش فلسفه عملیه است. و باز در ذیل همین واژه می‌گوید: علم اخلاق عبارتست از علم معاشرت با خلق و آن از اقسام حکمت عملیه است و آن را تهذیب اخلاق و حکمت خلقیه نیز می‌نامند. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، واژه اخلاق).

مفهوم اخلاق زمانی روشن خواهد شد که این واژه در اصطلاح خود این علم (علم اخلاق) معنا و بررسی شود. برخی محققین در کتابهای خود این علم را بدین صورت تعریف کرده‌اند: اخلاق جمع خُلُق است. خُلُق حالت و کیفیت باطنی است که با چشم سر و حواس ظاهری دریافتنی نیست. در مقابل خُلُق عبارت است از حالت و کیفیتی محسوس که با چشم سر و حواس ظاهری دریافتنی نیست. البته در زبان فارسی صورت در معنای اول به کار می‌رود و سیرت در معنای اول. (داوودی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۸).

از نظر ابن مسکویه اخلاق، حالتی است که باعث می‌شود افعال مناسب با آن بدون نیاز به فکر و تأمل از فرد صادر شود. (ابن مسکویه، ۱۴۲۲ق، ص ۵۱).

خواجه نصیر الدین طوسی در این باره می‌گوید: علم اخلاق، علم است به آن که نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی افعالی که به ارادت او از او صادر شود، جمیل و محمود بود. (طوسی، ۱۳۶۰ش، ص ۴۸).

و نیز در جای دیگری در تعریف این علم آمده است که: اخلاق عبارت است از پیدایش کیفیت مثبت و منفی (فضیلت و رذیلت) در ظهور فعلی استعدادها و سجایای باطنی که در پی ممارست و تمرین، ملکه می‌گردند. (امین زاده، ۱۳۷۸ش،

در برخی از کتب نیز در رابطه با تعریف اخلاق چنین می‌خوانیم: اخلاق عبارت از صفات نفسانی است و اخلاق نیکو به ملکاتی گفته می‌شود که منشأ صدور اعمالی گردد که از نظر شرع و عقل شایسته و پسندیده باشد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۱).

اهمیت و جایگاه اخلاق حسینی

نهضت عاشورا و واقعه کربلا از جهات بسیاری تا به حال مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است؛ اما به طور دقیق‌تر یکی از زیبایی‌های این جریان و نهضت، در بُعد اخلاقی آن نمود پیدا کرده است. در تأیید این مطلب می‌توان به سخنان تنی چند از محققان معاصر اشاره کرد.

یکی از این محققان در کتاب خود می‌گوید: با قطع نظر از شخصیت‌های این واقعه و در رأس آن‌ها امام حسین (علیه السلام) که انسان کامل بود، مهم‌ترین دلیل ممتاز بودن این حادثه از سایر حوادث، فضیلت‌ها و اخلاق حاکم بر این نهضت است؛ یعنی از هنگامی که کاروان از مدینه به سمت مکه و سپس به سوی کربلا حرکت می‌کند، تا روز عاشورا و پس از آن در طول این جریان از ابتدا تا انتها یک نقطه سیاه مشاهده نمی‌شود. تمام نقاط این حرکت سراسر فضیلت، نور و روشنایی است و همین باعث ماندگاری واقعه عاشورا شده است. آن چه واقعه کربلا را تبدیل به حماسه ای ماندگار نموده، اصول اخلاقی است که در سخت‌ترین شرایط هم نادیده گرفته نشد. (مسعودی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۱ و ۲۲).

آیت الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید، در کتاب ارزشمند خود، مکارم اخلاق حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) را یاد آور شده و می‌گوید: گرچه فداکاری بی‌مانند، استقامت، حق پرستی، توکل، قدرت اراده، چشم پوشی از مظاهر و جلوه‌های فریبنده دنیا و قطع علائق در واقعه جانسوز کربلا به قدری از وجود حسین (علیه السلام) تجلی کرده، و دل‌ها را مجذوب او نموده که به عظمت‌های دیگر آن حضرت کمتر توجه می‌شود. مثل اینکه افکار جامعه و عقول بشر کسی را که در راه یاری حق، فداکاری و از خودگذشتگی نشان دهد مالک تمام عظمت‌ها و فضایل می‌دانند و هرچه درجه فداکاری عالی‌تر و خالص‌تر باشد، عظمت شخصیت او در دل‌ها بیشتر می‌شود. (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۴۴).

محقق دیگری در پاسخ به این سؤال که چرا باید اخلاق اهل بیت (ع) را برگزید، می‌آورد: به حق امامت، زمام دین، نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مؤمنان است. امامت ریشه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است. امام است که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کند، حدود خدا را حفظ می‌دارد، از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و اندرز نیکو و حجت رسا به راه پروردگارش فرا می‌خواند. امام به سان خورشید تابان است که نورش جهان را فرا گیرد و خود در افق باشد، به گونه ای که دست‌ها و دیده‌ها بدان نرسد. امام، ماه کامل تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره راهنماست در شب‌های دی‌جور، در رهگذر شهرها و بیابانها و گرداب دریاها. (بیاتی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸).

اصول اخلاق حسینی (ع) در نهضت عاشورا از منظر قرآن

قطعاً مکارم اخلاقی حضرت سید الشهداء (ع) و یاران بزرگوارشان آنقدر زیاد هستند که مجال پرداختن به همه این موارد در این تحقیق و پژوهش ناچیز نیست. قصد این بوده است تا مهم‌ترین و والاترین صفات اخلاقی در اینجا بیان شوند، تا بتوانند چراغ راهی برای دوستداران و شیعیان و عاشقان حضرت و یاران باوفایش باشند. صفاتی که قطعاً بدون نام امام

حسین (ع) و هفتاد و دو تن یارانش اصلاً جلوه و معنایی در این جهان نخواهند داشت. چه بسا اینان بودند که به این واژه‌ها معنا و روح بخشیدند و جلوه‌ای دیگر از زیبایی را در این جهان رقم زدند.

صبر حسینی (ع) از نگاه قرآن

در قرآن کریم آیات بسیاری پیرامون مفهوم صبر آمده است که به دو نمونه از مهم ترین این آیات خواهیم پرداخت. بی تردید والاترین و بهترین مفهوم صبر بر مشکلات و مصائب را در رفتار و عملکرد حضرت ابا عبدالله (ع) و یاران با وفایش می توان مشاهده کرد.

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ، (سوره بقره، آیه ۱۵۵)؛  
به یقین همه شما را با اموری همچون ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوه ها آزمایش می کنیم. و بشارت ده به صابران».

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ» مقصود این است که نحوه عمل ما مانند عمل کسی است که شما را می آزماید تا معلوم شود آیا در مقابل شخصیتها صبر کرده و تسلیم فرمان خدا می شوید یا نه؟ «بِشَيْءٍ» یعنی به اندکی یا مقداری از هر یک از این بلاها. [ و منظور این است که به مقداری از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی شما را می آزمایشیم. (طبرسی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۰۸).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره آل عمران، آیه ۲۰۰)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها)، استقامت کنید. و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!».

در توضیح پیرامون این آیه چنین آمده است:

اگر روح استقامت و پایداری در مسلمانان زنده شود، اگر در برابر افزایش تلاش و کوشش دشمنان، مسلمانان تلاش بیشتری از خود نشان دهند و پیوسته از مرزهای جغرافیایی و عقیده ای خود مراقبت نمایند و به علاوه بر همه اینها - با تقوای فردی و اجتماعی، گناه و فساد را از جامعه خود دور کنند، پیروزی آنها تضمین خواهد شد. (بابایی، ۱۳۷۴ش، ص ۳۹۰ و ۳۹۱).

صبر حسینی از نگاه روایات

در روایات بسیاری به مفهوم صبر و آثار آن پرداخته شده است که به مهم ترین این موارد اشاره خواهیم کرد.

پیامبر اسلام (ص) در حدیثی می فرماید:

«فِي الصَّبْرِ عَلِيٌّ مَا يُكْرَهُ خَيْرٌ كَثِيرٌ، (کراچکی طرابلسی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۸)؛

در شکیبایی بر ناملايمات، خیر بسیاری نهفته است».

همچنین ایشان می فرمایند:

«الصَّبْرُ خَيْرٌ مَّرَكَبٍ، مَا رَزَقَ اللَّهُ عَبْدًا خَيْرًا لَهُ وَ لَا أَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ، (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۶، ص ۱۴۴)؛

شکیبایی بهترین مرکب است. خداوند به هیچ بنده ای روزی ای بهتر و فراختر از صبر نداده است».

و نیز می‌فرمایند:

شکیبایی، سر پناهی در برابر گرفتاریهاست و یاور در برابر مشکلات است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۶، ص ۱۴۵).  
و نیز پیامبر (ص) می‌فرمایند:

پیامبر خدا (ص) در سفارش به ابوذر فرمود: اگر می‌توانی که با خرسندی و یقین برای خدا کار کنی، بکن و اگر نتوانستی، بدان که در صبر بر آنچه ناخوش داری، خیر فراوانی نهفته است. (طبرسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۳۷۷).

امیر مومنان حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

صبر در کارها، به منزله سر در بدن است. همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن فاسد می‌گردد، صبر نیز هرگاه از کارها جدا شود، کارها تباه می‌گردد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۹۰).

زهد حسینی از نگاه قرآن

اگر بخواهیم زهد حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) را دقیق تر معنا کنیم، بهتر است که به سخنان یکی از محققان سنی مذهب در این رابطه مراجعه کنیم.

علایلی در کتاب خود بیان می‌کند که:

حسین در این ناحیه نیز بزرگ و یگانه بود. زندگی دنیا را خوار می‌شمرد و از مرگ نیز بیم و هراسی نداشت، و به جز برهان پروردگارش که همه چیز را فدای آن می‌کرد، به هیچ چیزی نظر نیندوخت. از این جهت سزاوار است مانند شاعر هندی (معین الدین اجمیری) او را دومین بنا کننده کاخ اسلام بعد از جدش و مجدد بنای توحید و یکتا پرستی بنامیم. و نیز در جای دیگری می‌گوید حسین (ع) به کل وجود و تمام هستی اش از دنیا رو گردانده بود. (علایلی، ۱۳۵۹ ق، ص ۱۱۹ و ۱۰۲).

آیات متعددی در قرآن کریم به مسئله زهد اشاره کرده است که به مهم ترین آنها خواهیم پرداخت.

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره حشر آیه ۹)؛

و برای (نیازمندان از) کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند. و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند.

در تفسیر این آیه آمده است که:

مدحی کامل از انصار است که از رسیدن مال به مهاجران ناراحت نمی‌شدند؛ چنان که در تقسیم اموال بنی نضیر معلوم شد و با آن که خود احتیاج داشتند، مهاجران را بر خود مقدم می‌کردند. (قرشی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۱، ص ۹۶).

در سوره‌ی ذاریات نیز بیان می‌کند که با زهد و بخشش نیز می‌توان به مقام احسان دست پیدا کرد:

«آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ، كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ، وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ، وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالمَحْرُومِ، (سوره ذاریات آیات ۱۶ تا ۱۹)؛

و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند. آنها کمی از شب را می خوابیدند. و در سحرگاهان استغفار می کردند. و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود.

یعنی به همان گونه که در دنیا آموزش های پروردگارشان را دریافت می کردند و به آنها تسلیم می شدند، امروز پاداش بزرگ آن را دریافت می کنند. البته این گرفتن در مقابل بخشیدن ایشان است. چه ایشان در دنیا، پیش از رسیدن به آخرت، در زمره نیکوکاران و محسنان بوده اند. (مدرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۴، ص ۲۴).

زهد حسینی از نگاه روایات

در روایات بسیاری به مفهوم زهد پرداخته شده است و این واژه در احادیث و روایات شاید بتوان گفت که یکی از مطالب پربسامد است.

در حدیثی پیامبر (ص) می فرماید:

خوشا به حال کسی که برای خداوند، عزّ ذکره، فروتنی کند و از آنچه برایش حلال کرده نیز کنار گیرد بی آن که از سنّت من روی گرداند؛ زرق و برق دنیا را کنار نهد، بی آن که از سنّت من منحرف شود. (حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰).

همچنین می فرماید:

خداوند به چیزی برتر از بی اعتنایی به دنیا عبادت نشده است. (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۵۰).

امیر مؤمنان حضرت علی (ع) نیز در حدیثی بسیار زیبا می فرماید:

نشانه کسی که به پاداش آخرت رغبت دارد، زهد ورزیدن به زرق و برق دنیاست. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۵۲).

همچنانکه ایشان در جای دیگری نیز می فرماید:

زهد خوی پرهیزگاران است و خصلت همیشه توبه کنندگان. (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۶).

نیز می فرماید:

زهد، یک ثروت است. (سید رضی، ۱۳۸۴ش، حکمت ۴).

شجاعت حسینی از نگاه قرآن

نهضت عاشورا سراسر جلوه و مظهر شجاعت امام حسین (ع) و یارانشان است. قیام عاشورا از ابتدا تا انتها شجاعت و غیرت حسینی را برای ما یاد آور می شود. از پذیرفتن بیعت یزید توسط حضرت ابا عبدالله (ع) تا جنگ با لشکر بی شمار کوفی، همه و همه نشان از شجاعت و دلاوری حسینی دارد.

آیات متعددی در قرآن کریم به این مفهوم والا و بلند مرتبه اشاره دارد که در اینجا به دو مورد از آنها اشاره می شود:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُومٌ، (سوره صف آیه ۴)؛

خداوند کسانی را دوست می دارد که در یک صف در راه او پیکار می کنند گویی بنایی آهنین اند.»

كَانَهُمْ بِنِیَانٍ مَّرْصُوصٌ) یعنی که گویا با سُرَب بنا شده بواسطه فشرده بودن و تو هم بودنشان. و بعضی گویند: مثل آن که آن دیواری است کشیده شده یا بنائی است بر اساس محکم کاری در استحکام و پیوستن به یکدیگر و استقامتش... و بدان که خداوند سبحان دوست دارد کسانی را که ثابت در پیکار باشند و لازم باشند میدان جنگ را مثل ثبوت بناء مستحکم و معنای محبت خدا ایشان را این است که او ثواب و منافع ایشان را در آخرت می خواهد. (طبرسی، ۱۳۵۲ش، ج ۲۴، ص ۳۹۴).

«وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (سوره یوسف آیه ۵۳): من خودم را تبرئه نمی کنم، که نفس (سرکش) بسیار به بدی ها امر می کند. مگر آنچه را پروردگارم رحم کند. پروردگارم آمرزنده و مهربان است».

در تفسیر مخزن العرفان ذیل این آیه چنین آمده است:

آری اینکه چنین حکایات و قصص پیغمبران درس عبرت به ما می آموزد برای اینکه بدانیم که سنت الهی بر این جاری شده که کسی به مرتبه و مقامی نمی رسد، مگر پس از اینکه در بوته امتحان واقع گردد. منتهی الامر آزمایش هر فردی به قدر استعداد و تحمل وی است. البته آزمایش اشخاص بزرگ به قدر بزرگی و قوت عزم و درجه استعداد آنها است. اگر کسی قدری در حکایت پیغمبران و اشخاص برجسته سیر کند درجه هر کسی را به قدر آزمایش و درجه صبر و متانت نفس آنها تا اندازه ای می تواند تشخیص دهد. (امین، ۱۳۸۹ش، ج ۶، ص ۳۸۸ و ۳۸۹).

به تعبیر دقیق تر این آیه به یکی از مراتب شجاعت که همان نفس سرکش آدمی است اشاره می کند. شجاعت حسینی از نگاه روایات

در احادیث بسیاری به مفهوم شجاعت پرداخته شده است که اینک به چند مورد اشاره خواهیم کرد.

امام زین العابدین (ع) در حدیثی می فرمایند:

رسول خدا (ص) به قومی که سنگی را بلند می کردند رسید و فرمود چه کار می کنید؟ گفتند: با این کار قوی ترین و زورمندترین مان را می شناسیم. حضرت فرمود: آیا زورمندترین و قوی ترین شما را معرفی نکنم؟ عرض کردند: بفرمایید، ای رسول خدا! فرمود: زورمندترین و قویترین شما کسی است که هرگاه خشنود باشد، خشنودی اش او را به گناه و نادرستی نکشاند و هرگاه ناخشنود باشد، از جاده حق گویی خارج نشود و هرگاه قدرت یابد آنچه را که حق او نیست نستاند. (صدوق، ۱۳۶۱ش، ج ۱، ص ۳۶۶).

حضرت علی (ع) نیز می فرمایند:

شجاعت، نیمی از عزت است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۴).

و نیز می فرمایند:

شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است. (همان)

همچنین می فرمایند:

اگر خصلتها از یکدیگر متمایز می شدند، بی گمان راستی با شجاعت بود و یزدلی با دروغ. (همان).

نیز می‌فرماید:

سخاوت و شجاعت خصلتهای والایی هستند که خداوند سبحان آنها را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد.

امام حسن (ع) نیز در پاسخ به این سؤال که شجاعت چیست؟ فرمودند:

ایستادگی در برابر هم‌وردان و پایداری در نبرد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۵، ص ۴۸۵).

کرامت حسینی از نگاه قرآن

کرامت امری فطری در انسان‌ها است و مردم فارغ از هر دین و آیینی عاشق کرامت می‌باشند و کریم نزد ایشان محترم و گرامی است. امام حسین (علیه السلام) در تمام دوران زندگی و به خصوص در فاصله زمانی حرکت از مدینه تا کربلا بر اصل کرامت و بزرگواری تأکید کرده و می‌فرمود:

«مردم خودتان را دریابید و بشناسید. خود را خوار و ذلیل نکنید و از پستی و دنائت دوری کنید».

امام حسین (ع) برای مردانگی، قنوت و جوانمردی ارزش قائل است.

در آیات قرآن کریم نیز به همین مسئله اشاره شده است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا، (سوره

اسراء آیه ۷۰)؛

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. و آنها را در صحرا و دریا (بر مرکبهای راهوار) سوار کردیم. و از نعمتهای پاکیزه به آنان روزی دادیم. و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم».

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید:

مسلمین اختلاف دارند در اینکه انسان و ملک کدام یک برترند؟ قول معروف که به اشاعره هم منسوب شده این است که انسان افضل است و مراد ما از فضیلت انسان، نه همه افراد انسانها است، بلکه افراد مؤمن است، زیرا حتی دو نفر هم اختلاف ندارند در اینکه عده ای از افراد انسان از چارپایان هم پست تر و گمراه تر هستند، و آنان عبارتند از منکران حق و لجوج‌ها که زیر بار حق نمی‌روند، بنا بر این چگونه ممکن است که چنین جانورانی از ملائکه مقرب تر باشند؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۲۱۹).

و این رأی از مذهب شیعه نیز معروف است، و چه بسا این استدلال را هم بکنند که ملائکه مطبوع بر اطاعت خدایند و اطاعت طبیعت و فطری آنها است. اصلاً قادر بر معصیت نیستند، به خلاف انسان که هم می‌تواند اطاعت کند و هم مخالفت، و سازمان وجودش را هم دو قسم نیرو تشکیل می‌دهد؛ یکی نیروهای شیطانی و دیگری رحمانی، یکی عقل و یکی شهوت و غضب. (همان).

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ، ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ، (سوره تین آیات ۴ و ۵)؛

که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم. سپس او را به پایین ترین مرحله بازگرداندیم».



مراد از «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» دست برداشتن گروهی از انسانها از فطرت اولیه الهی است که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده که هر کس چنین کند؛ خداوند او را در پست ترین جایگاهها قرار می‌دهد و گرفتار شقاوت و عذاب می‌شود. (قرآنی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۰، ص ۵۳۰).

انسان در آفرینش بر همه موجودات برتری دارد و خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طی مراحل زندگی واقع می‌شود. انسان که برترین مخلوق است، سقوطش نیز از همه موجودات پست تر است. (همان).

کرامت حسینی از نگاه روایات

در روایات بسیاری به مفهوم کرامت و هم خانواده‌های این کلمه پرداخته شده است که ما نیز در این قسمت به مهم ترین موارد آن اشاره خواهیم کرد.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

هیچ چیز نزد خدا گرامی‌تر از فرزند آدم نیست. عرض شد: ای پیامبر خدا! حتی فرشتگان؟! فرمود: فرشتگان بسان خورشید و ماه مجبورند. (متقی هندی، ۱۳۹۷ق، ح ۳۴۶۲۱).

امام باقر (ع) نیز بعد از شرح درگذشت آدم (ع) فرمودند:

تا آن که نوبت نماز خواندن بر [جنازه] آدم رسید، هبه الله گفت: ای جبرئیل! جلو برو و بر آدم نماز بخوان. جبرئیل علیه السلام به او گفت: ای هبه الله! خداوند به ما دستور داد که در بهشت بر پدرت سجده آوریم، پس ما را نسزد که بر هیچ یک از فرزندانش امامت کنیم. (صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۱۴).

امیر مؤمنان حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید:

با خوشرویی و نیکوکاری آدمی است که بزرگواری او معلوم می‌شود. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۱۰، ص ۸۶).  
نیز می‌فرماید:

بزرگواری، به دوش کشیدن بار تاوان‌های [مردم] است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۱۰، ص ۸۷).

و در وصف بهشتیان می‌فرماید:

بهشتیان گروهی هستند که کرامت همواره با آنان باشد، تا آن که سرانجام در سرای جاودانی فرود آیند و از جابجایی سفرها آسوده گردند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۱۰، ص ۸۸).

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

شبی که پیامبر (ص) به معراج برده شد، وقت نماز رسید. جبرئیل اذان و اقامه گفت و سپس عرض کرد: ای محمد! [برای امامت نماز] پیش برو. پیامبر خدا (ص) فرمود: تو پیش برو، ای جبرئیل! جبرئیل گفت: از آن زمان که به ما دستور داده شد بر آدم (ع) سجده کنیم، خود را بر آدمیان مقدم نمی‌داریم.

حریت و آزادگی حسینی از نگاه قرآن

امام حسین (ع) نماد پرفروغ این واژه و مفهوم به حساب می‌آید؛ چنانکه بعضی از محققین در این باره تصریح کرده اند.

امام حسین (ع) مظهر حریت و آزادگی است و می‌خواهد به مردم بفهماند شما سرور، آقا و حرّ هستید؛ پس بنده کسی نشوید و خودتان را ارزان نفروشید و بنده شهوت، دنیا، مقام و... نشوید. اما در مقابل، یزید به ظاهر سروری و آقایی داشت، ولی این در واقع رقیبت و بندگی بود و می‌خواست مردم هم بنده و برده او باشند. بنابراین حریت و آزادی واقعی به غیر از طریق بندگی خداوند متعال امکان ندارد. (مسعودی، ۱۳۹۴ ش.، ص ۱۵۹ و ۱۶۰).

و نیز در ادامه می‌گوید: معنای واقعی حریت و آزادی این است. اگر کسی آزادی را غیر از این معنا کند و بگوید: معنای آزادی این است که هرکسی هر کاری دلش می‌خواهد بدون هیچ محدودیتی انجام دهد، این در واقع بزرگ کردن معنای آزادی است. آن چه امروز در غرب به عنوان آزادی مطرح می‌شود، در واقع آزادی نیست. معنا و تفسیر صحیح آزادی که همه دنیا و همه انسان‌ها آن را تحسین می‌کنند همان است که گفتیم. بر این اساس، حریت و آزادی واقعی فقط در سایه بندگی خدا تحقق پیدا می‌کند. (همان).

در رابطه با مسئله حریت و آزادگی، آیات متعددی در قرآن کریم یافت می‌شوند که این آیات آزادی واقعی را تنها در سایه بندگی خداوند میسر و قابل دسترس می‌دانند. از جمله این آیه:

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي، (سوره طه آیه ۱۴)؛

منم خداوند یگانه. معبودی جز من نیست. مرا پرستش کن و نماز را برای یاد من به یادار».

یعنی: من که با تو سخن می‌گویم همان ذات یکتای واجب الوجود که معبودی جز من نیست، پس مرا بیرست و نماز را به یاد من برپا دار. نماز در این جا اشاره به همه عبادت هاست که نماز در رأس آنها قرار دارد. یعنی همه عبادت هایت را برای تحقق یاد من به جا آور. یعنی دل متوجه او شود و زبان با او گفتگو کند و بدن در برابر او خضوع نماید. (مشکینی،

۱۳۹۲ ش، ج ۵، ص ۶۳)

در سوره حجر می‌خوانیم:

«وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ، (سوره حجر آیه ۹۹)؛

و پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو را فرارسد (و از جهان چشم فروبندی)».

صاحب تفسیر اطیب البیان ذیل این آیه می‌گوید: و عبادت کن پروردگار خود را تا بیاید تو را یقین معروف و مشهور بین مفسرین و علماء اعلام که تفسیر کردند یقین را به موت و مرگ یعنی تا نفس آخر باید عبادت کرد و همین معنی را در زیارت وارث گفتند. وَأَطَعْتُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ و اطلاق یقین بر موت به واسطه این است که حین الموت پرده برداشته می‌شود و نتایج اعمال مشهود می‌گردد. (طیب، ۱۳۷۰ ش.، ج ۸، ص ۷۷).

حریت و آزادگی حسینی از نگاه روایات

روایات بسیاری به این مطلب تاکید دارند:

امام صادق (ع) می‌فرماید:

پنج خصلت است که در هر کس یکی از آنها نباشد خیر و بهره زیادی در او نیست: اول: وفاداری، دوم تدبیر، سوم: شرم و حیا، چهارم: خوش خویی و پنجم که چهار خصلت دیگر را نیز در خود دارد: آزادگی. (صدوق، ۱۴۱۴ق.، ص ۲۸۴).

امام علی (ع) نیز می فرماید:

ای مردم! آدم نه بنده ای زابید و نه کنیزی. مردم همه آزادند. (محمودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۹۸).

نیز می فرماید:

بنده دیگران مباش که خداوند سبحان تو را آزاد آفریده است. (محمودی ری شهدی، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۱۳).

نیز می فرماید:

طمع، تو را به بندگی نگیرد، که خداوند تو را آزاد آفریده است. (همان).

و می فرماید:

بنده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید. در آن نیکی که جز با بدی و آن آسانی که جز با سختی به چنگ نیاید، چه خیر و برکتی است؟ (همان).

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) خطاب به دشمنانش می فرماید: وای بر شما! اگر دین ندارید، در دنیا آزاده باشید. (اصفهانی،

۱۴۰۵ق، ص ۱۱۸).

تواضع حسینی از نگاه قرآن

امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان مظهر تواضع و فروتنی هستند، اما چه بهتر که در جهت تأیید این مطلب نیز حکایتی

در این باره بیان شود:

روزی امام حسین (ع) گروهی از نیازمندان مدینه را دید که دور هم جمع شده و به خوردن نان خشک و بی خورشت

مشغول اند. بعد از سلام و احوال پرسی، فقرا از آن سرور خواستند به جمع آنان بیوندند. حسین بن علی (ع) با گفتن: «خدا

متکبرین را دوست ندارد»، در جمع آنان نشست و مشغول خوردن و صحبت شد و سپس همه را به منزلش دعوت نموده؛

با تمام تواضع و صفا و صمیمیت از آنان پذیرایی نمود و از خانواده اش خواست هر چه در توان دارند، مضایقه نمایند.

(امین، بی تا، ج ۱، ص ۵۸۰).

آیات قرآنی نیز به مسئله تواضع و فروتنی اشاره دارد:

«وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (سوره شعراء آیه ۲۱۵)؛

و پر و بال (عظوفت) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند فرود آر.

صاحب کتاب تفسیر انوار درخشان می گوید:

خطاب به رسول گرامی (ص) است. هر که به دعوت تو ایمان آورد و از برنامه مکتب قرآن پیروی نماید، او را مشمول

لطف و مهر خود قرار بده و گرد خود آور در این جهت فرق نیست میان اقرباء و غیر آنها. (حسینی همدانی، ۱۳۸۰ق، ج

۱۲، ص ۸۱).

«وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (سوره فرقان آیه ۶۳)؛

بندگان (خاص) خداوند رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند و هنگامی که جاهلان آنها

را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند).

و بندگان صالح و نیکوی خدای رحمان کسانی هستند که در روی زمین با آرامش و فروتنی و بدون تکبر راه می روند، یعنی مشی و رفتارشان با مردم فروتن و خاضعانه است. و چون جاهلان با آنها سخن گویند آنها می گویند: سلام بر شما. یعنی و چون نادانها با خطاب خشن و استهزا و مسخره آمیز با آنها برخورد کنند، آنها کلامی نرم و مؤدبانه و مسالمت آمیز می گویند. (مشکینی، ۱۳۹۲ش، ج ۵، ص ۳۴۷).

تواضع حسینی از نگاه روایات

در روایات نیز به مفهوم تواضع و فروتنی تصریح شده است:

رسول خدا (ص) می فرماید: شرافت خانوادگی، جز به فروتنی نیست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۱۳، ص ۲۱۱).  
در جای دیگر می فرماید:

چه شده است که حلاوت عبادت را در شما نمی بینم؟! عرض کردند: حلاوت عبادت چیست؟ فرمودند: فروتنی. (ورّام، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۱).

امیر مؤمنان حضرت علی (ع) نیز می فرماید:

زیور انسان شریف (بزرگ زاده) فروتنی است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۱۳، ص ۲۱۶).

در جای دیگر می فرماید:

فروتنی، برترین شرافت (نجیب زادگی) است. (همان).

و می فرماید:

فروتنی، باعث بر سر زبان افتادن فضایل [انسان متواضع در میان مردم] می شود. (همان).

و نیز می فرماید:

بر تو باد فروتنی؛ زیرا که آن از بزرگترین عبادت هاست. (همان).

نتیجه گیری

اصول و مؤلفه های اخلاقی در قیام حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) آنقدر زیاد هستند که قابل شمارش نیست. این اصول اخلاقی نه تنها در حضرت ابا عبدالله (ع)، بلکه هفتاد و دو تن از یاران باوفای ایشان نیز صاحب والاترین مکارم اخلاقی بوده اند. این بیان زمانی آشکار خواهد شد که ببینیم این تعداد حتی در سخت ترین شرایط هم امام خویش را ترک نکردند و دعوت امام (ع) را لبیک گفتند و به یاری اش شتافتند. گر چه تا به حال این واقعه و نهضت عظیم از جهات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است و پژوهشگران و محققان از همان آغاز به ابعاد مختلف این جریان با شکوه اشاره کرده اند، اما اصول اخلاقی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. واقعه عاشورا که تجلی اخلاق متعالی و الهی است، زیبایی اش به حدی است که حضرت زینب (ع) می فرماید: و ما رأیتُ أَلَا جَمِیلاً. تعبیر ایشان چنان زیباست که خود می تواند سرمشق و الگویی برای رهپویان نهضت و قیام حسینی (ع) باشد. در واقع اخلاق حسینی (ع) سراسر زیبایی و شکوه است و همین اخلاق متعالی است که بعد از چند قرن هنوز این واقعه و نهضت را در دل طرفداران ابا عبدالله (ع) زنده نگاه داشته است. از طرفی واقعه عاشورا تنها برای یک زمان و یک دوره خاص نیست، که هر کس هر طوری که دلش خواست آن را تفسیر

و تبیین کند. این واقعه برای همه زمان ها و همه مکان ها می تواند سرمشق و الگویی برای حق طلبان و عدالت خواهان راه حسینی (ع) باشد. تلاش شده است در این مقاله مهم ترین و بنیادی ترین اصول اخلاقی در قیام امام حسین (ع) را به آیات نورانی وحی و روایات ائمه معصومین (ع) عرضه کنیم. وظیفه ما در جامعه کنونی این است که این اخلاق پسندیده را بشناسیم و بتوانیم در جهت اصلاح خویش گام برداریم. چرا که اگر خود را آراسته به اخلاق و رفتار حسینی (ع) نکنیم، بدون شک اخلاق رذیله و صفات ناپسند اخلاقی در انتظار ما خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه (۱۳۸۴ش)، ترجمه استاد محمد دشتی، قم: انتشارات فراهی.
- عمید، حسن (۱۳۹۳ش)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- معین، محمد (۱۳۹۱ش)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- محمد، داوودی (۱۳۹۵ش)، اخلاق اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
- طوسی، نصیر الدین (۱۳۶۰ش)، اخلاق ناصری، تحقیق: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- مسکویه، ابو علی احمد بن محمد بن یعقوب (۱۴۲۲ق)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، بی جا: انتشارات بیدار.
- امین زاده، محمدرضا (۱۳۷۸ش)، اخلاق اسلامی، قم: موسسه در راه حق.
- اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۲ش)، فرهنگ اخلاق، قم: مسجد مقدس صاحب الزمان جمکران.
- مسعودی، مصطفی (۱۳۹۴ش)، اصول اخلاقی قیام امام حسین (ع)، قم: انتشارات دارالمبلغین.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۵ش)، پرتوی از عظمت امام حسین (ع)، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.
- بیاتی، جعفر (۱۳۸۶ش)، اخلاق حسینی، ترجمه: موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بابایی، احمد علی (۱۳۷۴-۱۳۷۶ش)، برگزیده تفسیر نمونه، زیر نظر: استاد مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- الکراجکی الطرابلسی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، کنز الفوائد، قم: انتشارات دار الذخائر.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶ش)، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- العلائی، عبدالله (۱۳۵۹ق)، سمو المعنی فی سمو الذات او اشعه من حیاة الحسین (ع)، بی جا: بی نا.
- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه: احمد امیری شادمهری با مقدمه واعظ زاده خراسانی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۴ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، ترجمه: احمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حرّانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق: علی اکبر الغفّاری، قم: موسسه النشر الاسلامی.

- مجلسی ، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ، بی جا : موسسه الوفاء.
- تمیمی آمدی ، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۳ش)، غرر الحکم و درر الکلم ، قم : انتشارات دارالحدیث.
- النوری الطبرسی ، المبرزا حسین (۱۴۰۷ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، قم : موسسه آل البيت (ع).
- کلینی ، محمد ابن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی ، تحقیق : علی اکبر غفاری و محمد آخوندی ، تهران : دارالکتب الاسلامیه.
- الطبرسی ، فضل بن الحسن (۱۴۱۴ق)، مکارم الاخلاق ، تحقیق : علاء آل جعفر ، قم : موسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی ، ابو علی الفضل بن الحسن (۱۳۵۲ش)، ترجمه تفسیر مجمع البیان ، ترجمه : احمد بهشتی ، تهران : انتشارات فراهانی.
- امین ، نصرت بیگم (۱۳۸۹ش)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن ، اصفهان : انتشارات گلبهار.
- بابویه قمی ، محمد بن علی (۱۳۶۱ش)، معانی الاخبار ، قم : موسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی ، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، تفسیر المیزان ، ترجمه : سید محمد باقر موسوی همدانی ، قم : دفتر انتشارات اسلامی.
- قرآنی ، محسن (۱۳۸۷ش)، تفسیر نور، تهران : مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- متقی هندی ، علی ابن حسام الدین (۱۳۹۷ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ، بیروت : مکتبه التراث الاسلامی.
- بابویه قمی ، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه ، تحقیق : علی اکبر الغفاری ، قم : موسسه النشر الاسلامی.
- مشکینی ، علی (۱۳۹۲ش)، تفسیر روان ، قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- طیب ، سید عبدالحسین (۱۳۷۰ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، تهران : کتاب فروشی اسلام.
- بابویه قمی ، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، الخصال ، قم : موسسه النشر الاسلامی.
- المحمودی ، محمد باقر (۱۴۲۶ق)، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه ، بیروت : موسسه الاعلمی.
- اصفهانی ، علی ابن الحسین (۱۴۰۵ق)، مقاتل الطالبین ، قم : منشورات الشریف الرضی.
- امین ، سید محسن (بی تا)، اعیان الشیعه ، بی جا : بی نا.
- حسینی همدانی ، سید محمد (۱۳۸۰ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، بی نا.
- ابی فراس الحمدان ، ورام (بی تا)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، بیروت : دارالتعارف و دارالصعب.